

بازماندگان ماد

حسن جاف

بازماندگان ماد تحقیق در زمینه سابقه تاریخی اقوام تشکیل دهنده ملت ایران در طول تاریخ آن، وظیفه مقدس هر یک از دانشمندان و پژوهندگان ایرانشناس است و در این مورد مسئولیت سنگینتر، بر دوش صاحب نظران و محققین این مرز و بوم است.

با وجود پژوهشها و تحقیقات ارزنده‌ای که در این زمینه از طرف محققین صاحب نظر بعمل آمده است، هنوز تاریخ قوم ماد و ارتباط آنها با کردهای کنونی و سابقه تاریخی کردها در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و نیاز به بررسی‌های عمیقتری دارد.

قبل از اینکه به موضوع اصلی مبنی بر وابستگی کرد و ماد بپردازیم ناگزیر از ذکر این مطلبیم که تعداد زیادی از خاورشناسان و محققین بر این عقیده‌اند که کردها آریائی^۱ و منتسب به اقوام هند و اروپائی^۲ Indo-European می‌باشند که طوایف هند و ایرانی نیز از آنها منشعب شده‌اند. گیرشمن طرز ورود آریئی‌ها به فلات ایران را چنین تشریح کرده است: طی مهاجرت، ظاهرآ آنان به دو دسته تقسیم شدند، یکدسته که آنرا شعبه غربی مینامیم دریای سیاه را دور زدند و پس از عبور از «بالکان» و بسفر به داخل آسیای صغیر نفوذ کردند و دسته دیگر که آنرا شعبه شرقی مینامیم و بنام «هند و ایرانی معروف‌اند، به سمت مشرق دریای خزر به حرکت درآمدند. یک بخش از این گروه که ظاهرآ بیشتر آنان افراد جنگجو بودند از سوی قفقاز تا انحنای عظیم شط فرات پیش راندند و با هوریان بومی ممزوج شدند و پادشاهی «میتانی» را تشکیل دادند.

بخش دیگری از این دسته در طول چین خوردگیهای زاگرس مرکزی به حرکت درآمدند و ماد و پارس از این بخش میباشند.^۳

آنچه در اینجا قابل تذکر است آنستکه برخی از محققین کردها را از همان گروه که در منطقه زاگرس اقامت گزیدند و بنامهای، گوتی، کاسی، لولو، کاردوخ و غیره معروف شدند، میدانند.^۴

عقیده دو خاورشناس معروف، سولاک^۵ Solak و فون لوشان^۶ Vonluchan در روشن کردن موضوعی که ما درصدد توضیح آن هستیم مؤثر میباشند، نامبرگان میگویند: شدند و در آنجا دو قسمت گردیده، گروهی از کوههای هیمالایا گذشته به هندوستان

^۱ - محقق معروف (Coon) معتقد است که ۲۰۰۰ سال ق.م نخستین هجرت آریائی‌ها کردها را از آسیای وسطی بسرزمین کنونی شان رساند ر ک:

Coon C.S.(Caravan)

The Story of the Middle-East, London. ۱۹۵۱, P. ۷۵.

^۲ - قسمتی از آریائیهای ترکستان شوروی بسوی ایران رهسپار (۱۹۷۰, P. ۳). (London) - The Kurds and Kurdistan by Derk kinnane.

^۳ - ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین تهران، ۱۳۳۱، ص ۴۳.

^۴ - خلاصه تاریخ کردو الکردستان: محمد امین زکی، ترجمه محمد علی عونی، بغداد ۱۹۶۱، ص ۶۳-۶۴

رفتند و ملت هند را تشکیل دادند^۱ و بعید نیست مهاجرت آنها از ایران ۲۵۰۰ سال ق.م. بوقوع پیوسته باشد، قسمتی دیگر از آنان در منطقه‌ای بنام پارس اقامت گزیده و دسته‌ای از آنها بکوه‌های زاگرس رفته بچندین دسته منشعب شدند و بنامهای، گونی، کاسای، مانای، لولو، کاردوخ، خالدی، معروف گردیدند. آنچه معلوم است از شاخه‌های منطقه زاگرس «مادها» شهرت یافتند و از شاخه‌های منطقه پارس هخامنشیان بوجود آمدند. ریشه نژادی فارسها به هخامنشیان و کردها بمادها و اقوام زاگرس میرسد.^۲

بهر حال اگر کردها را وابسته به طوایف و اقوام دامنه‌های زاگرس بویژه گوتی‌ها و کاردوخی‌ها^۳ بدانیم، چنین انتسابی بموضوع اصلی که ما در صدد بحث آنیم مغایرت و مبادیتهی ندارد، زیرا به احتمال زیاد گوتی، کرتی، کاردو، کاردوخ، نامهای یک قوم بوده است و این قوم از طوایف عمده تشکیل دهنده مادها بوده است.^۴ و اسناد بدست آمده مؤید این مطلب می‌باشد چنانکه از قدیمترین مدارک سومری چنین برمی‌آید که ملتی موسوم به گوتو یا گوتی وجود داشته که آشوری‌ها آنها را گاردو Gardu «یا کاردو Kardu کرتی، غوردی، قورتنی، مینامیده‌اند.^۵

این قوم همواره در شورش بوده و مزاحمت‌های فراوانی برای آشوری‌ها فراهم می‌نموده‌اند.^۶

در تشابه لفظی میان کلمه گوتی و کرتی و کاردوخ و کرد، خاورشناس معروف Driver معتقد است که: «نولد که متذکر می‌شود: کرتی‌ها در مملکت ایران و میدیا و سایر مناطقی که اکنون کردها در آن زندگی میکنند پراکنده شدند. کلمه کرتی (Kyrtii) در وهله اول به کلمه (Qrutu کورتو) یا کاردو Kardu مبدل شد و سپس به کلمه کرت تغییر یافت و واژه کرت شبیه و نزدیک به کلمه کرد است، در ایور Driver اضافه مینماید که: پس از تحقیقات زیاد به این نتیجه رسیده است که بایستی با نظریه نولد که در

۱- مرحوم پیرنیا در این مورد گوید: آریائیهای هند و ایرانی پس از آنکه تنها با هم زندگی میکردند و مدتی طولانی با یک زبان واحد تکلم مینمودند، از آسیای میانه مهاجرت کرده با اختر آمدند و از آن پس جدا شدند شعبه هندی بطرف هندوکش و دره پنجاب و شعبه ایرانی به طرف جنوب و غرب فلات ایران سرازیر و منتشر شدند در اینجا پیرنیا برخلاف سولاک و فون لوشان معتقد است که طوایف هند و ایرانی قبل از رسیدن به ایران از هم جدا شدند. ر.ک: ایران باستان جلد اول، ص ۱۵۵.

۲- میژوی تده‌یی کوردی: علاء الدین سجادی، بغداد ۱۹۷۱ ص (۵۰) شورش کانی کورد: علاء الدین سجادی، ص ۵

۳- کاردوخی، همان قومی هستند که گزنفون یونانی در سال ۴۰۱ ق.م. به آنان برخورد کرده است و کشور کاردوخیان را تابوهتان دانسته که اکنون سرزمین کردنشین است، ناگفته نماند گزنفون باشندگان منطقه زاگرس را کاردوخی نامیده است، ر.ک: مقدمه شرفنامه، محمد عباسی ص ۱۱

۴- گوتیان در سرزمینی زندگی میکردند که بعدها سلطنت ماد در آن مستقر گشت، ر.ک: تاریخ ماد، دیاکونف، ص ۴۸ همچنین ر.ک:

Foreign office: Armenia and Kurdistan, London, ۱۹۲۱, P.۴.

۵- الکردو المسأله الكردیه: شاکر خصباک، بغداد، ۱۹۵۹، ص ۱۲ همچنین تاریخ آشور: رابی منشی میر، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۹۱

۶- غنچه بهارستان: حسین حزنی مکرانی، حلب ۱۹۲۵، ص ۷

مورد اینکه کردها با کرتی‌ها ارتباط دارند موافقت داشت ولی اصل کلمه کرد فارسیست و مشتق از واژه گرد است که با کلمه کاردو و یا گاردوی Gardui بابلی که بمعنای شجاع و دلیر است هم‌ریشه میباشد.^۱

دراپور Driver درصدد توضیح بیشتری برآمده میگوید: «کلمه کاردوخی که شباهت زیادی به کلمه کرد دارد بر اقوامی اطلاق میشده که گزنفون^۲ بسال ۴۰۱ ق.م در مناطق کردنشین کنونی بآنان برخورد کرده است. در حقیقت کلمه کاردوخی مشتق از واژه گورتو Gurto آشوری باضافه پسوند جمع ارمنی (Kh)(Kh-Gurto) میباشد.^۳

ولی بعقیده خاورشناسان معروف نولدکه Noldke و هارتمان، کلمه کاردوخی مشتق از کلمه کرتی میباشد.^۴

به نظر استرابون: کرتی‌ها در ایران، نزدیک کوههای زاگرس در منطقه‌ای که به میدیا معروف بوده زندگی میکردند استرابون و لولیس ویلی فی در مورد کرتی‌ها متفقا عقیده دارند که آنان قومی موصوف بشجاعت و بیباکی بوده و راهزنی میکردند و در بکار بردن فلاخن مهارت زیادی داشته‌اند. و این همان وصفیست که گزنفون از کاردوخی‌ها کرده است.^۵

بنابراین میتوان استنباط نمود که کاردوخی‌ها همان گوتی‌ها یا (کرتی‌ها) بوده‌اند که از طوایف ماد محسوب میشوند^۶

از اینرو نامهایی مانند کوردیای، کاردوخی، کاردایا، کاردوخ، کرتی، سیرتی، گوتی، که در سنگ‌نبشته‌ها و کتیبه‌های سومری اکدی، بابلی، آشوری ذکر شده‌اند با کلمه کرد بی‌ارتباط نیستند. با اینکه در این مورد دلایل قاطعی در دست نیست ولی باز نمی‌توان تشابه لفظی این کلمات را نادیده گرفت، این واژه‌ها نامهای طوایف یا قوم بخصوص بوده که بعد از گذشت چندین سال با اقوام ماد مخلوط گشته و امپراطوری ماد را تشکیل داده‌اند^۷

آنچه در این مختصر برای ما حائز اهمیت است آنستکه کردان امروزی بعقیده بیشتر خاورشناسان اخلاف و بازماندگان قوم ماد میباشد^۸ که در همان سرزمین با حفظ بسیاری از معتقدات و عادات هنوز بجا مانده‌اند و زبان آنها نیز تا حدودی محفوظ گشته و ا

۱- Driver, G.R., The Name Kurd and its phylogical Connexions Z Journal of Royal Asiian Society- Part. III, PP. ۴۰-۴۴, ۴۰۲.

۲- گزنفون مورخ و سردار معروف یونانی است: برای اطلاع در مورد او بکتاب ذیل مراجعه گردد.

Xenephone: The Persian Expedition Z Translated by: Rex Warner. P. ۱۲۷, ۱۴۵

۳- The Name Kurd and its phylogical Connexions. P. ۳۹۳

۴- همان مرجع قبلی، ص ۳۹۷

۵- الكردو المسألة الكردية: شاکر خصباک، بغداد، ۱۹۵۹، ص ۸ کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، ص ۱۹۵.

۶- الكرد و المسألة الكردية ص ۸.

۷- رساله دکتری، نویسنده، تحت عنوان حیات فرهنگی کرد در پرتو اسلام سال تحصیلی ۵۲-۵۳ ص ۱۳

۸- جهت مزید اطلاع (در مورد وابستگی کرد و ماد) بکتاب ذیل مراجعه شود:

گر آثاری از زمان مادها بدست آید این مطلب تأیید خواهد شد. از طرفی دیگر ارتباط و خویشاوندی زبان کردی با زبانهای ایرانی بویژه اوستائی و پهلوی و پارسی باستان آشکار و روشن است.^۱

محققان در مورد منشاء و زمان ورود مادها بسرزمین ایران اختلاف نظر دارند، گیرشمن تاریخ ورود آنها را در حدود هزاره اول پیش از میلاد میدانند.

عده‌ای دیگر چون «سایکس و مورگان و رشید یاسمی معتقدند که مادها از هزاره دوم پیش از میلاد وارد فلات ایران شده و در سرزمین ماد سکونت اختیار کرده‌اند».^۲

آنچه روشن است اینست که باستانی‌ترین سازمان اجتماعی در فلات ایران که اطلاعات کم و بیش صحیحی از آن در دست داریم دولت ماد است که قلمرو آن سرزمین شمال غربی ایران کنونی و آذربایجان را شامل میشود. از اطلاعات و مدارک تاریخی چنین برمی آید که تا قرن نهم و دهم قبل از میلاد سکنه این سرزمین در شرایط شبانی و شکار حیوانات و ایلیاتی و کشاورزی زندگی میکردند و دولت ماد هنوز بصورت دولت تکامل یافته درنیامده بود، بلکه ملوک الطوائفی بر منطقه مادها حکمفرما بود.

در قرن هشتم و نهم قبل از میلاد مادها در نتیجه حملات مداوم آشوری‌ها، بیش از پیش برای مقابله با آشوری‌ها با یکدیگر متحد شدند، در قرن هفتم ق.م دولت ماد یکدولت مقتدر شرقی بشمار میرفت و مرکز آن شهر (اکباتان) یعنی همدان فعلی بود، مادها ناگزیر بودند همواره با همسایگان خود در جنگ باشند چنانکه در شرق با قبایل چادرنشین که به اتحادیه مادها ملحق نشده بودند، در مغرب با آشوری‌ها و اورارتوها و دول دیگر در ستیز بودند^۳

سرانجام بسال ۶۱۲ ق.م. مادها با همکاری کلدانی‌ها بدنبال فتح نینوا امپراطوری آشور را منقرض ساختند.

در کتیبه‌های آشوری از مادها بنام مادای، آمادای و در یونانی قدیم و متأخر، مداسی Medaci و مدی، میدی و بزبان پارسی باستان ماد Madu در زمان ساسانی بشکل ماسی درآمد و در کتب مورخین اسلامی بصورت ماه بکار رفته است.^۴

- The Chornology: The Middle East Journal. Vol. ۲۳, N. ۲. ۱۹۶۹-PP. ۳۱۰. - The Kurds: Hassan Arfa. London. ۱۹۶۰, P. ۱.

همچنین ر. ک. القضية الكردية: دكتور بله ج شیرکوه. قاهره، ۱۹۳۰ ص ۴-۶. الحركة القومية الكردية: ادومون غریب، بیروت ۱۹۷۲، ص ۱۱. کرد مسئله سی: زفیق حلمی بغداد ۱۹۳۵ ص ۹. تاریخ العراق القریب: مس بیل، ترجمه جعفر خیاط بغداد ۱۹۷۳ ص ۱۸۰. سنن فی کردستان: دلبلیو. آر. هی. ترجمه فؤاد جمیل، بغداد ۱۹۷۳، ص ۵۳

۱- The Kurd and Kurdistan: Derk Kinane, London. ۱۹۷۰. P. ۳

همچنین ر. ک. بحث در لهجه‌های مغرب ایران: رساله دکتری محمد مکرری ص ۴۹-۵۷.

۲- ایران از آغاز تا اسلام: گیرشمن، ص ۵۸ همچنین ر. ک. مادها و بنیان‌گذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران، ص ۱۷۴

۳- تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا عصر حاضر: مرتضی رواندی، جلد اول، ص ۷۹.

۴- مادها و بنیان‌گذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران. جلیل ضیاءپور ص ۱۷۲ همچنین ر. ک. رساله دکتری محمد مکرری تحت عنوان

لهجه‌های مغرب ایران ص ۱.

در قرن ششم سرزمین ارمنستان جزئی از امپراطوری ماد گشت^۱ ارمنیان مادها را «مار» نامیدند.^۲

محققان سرزمین مادها را به سه ایالت مشخص نامگذاری کرده‌اند: سایکس نوشته است سرزمین مادسه استان بزرگ داشت، «ماد بزرگ» که امروز عراق عجم یا (اراک) است «ماد آتروپاتن» که اکنون آذربایجان است و «مادر اجیانا»^۳ که ولایات اطراف تهران حالیه می‌باشد. سایکس اضافه می‌کند: دولت ماد در مرکز رشته کوه‌های زاگرس و جلگه‌های حاصلخیز واقع در مشرق این رشته کوه، تشکیل شده بود. ابتدا ناحیه اطراف همدان تحت انتظام درآمد، لیکن این مرکز بزودی قلمرو خود را در چهار جانب بسط داد تا اینکه حدود شمالی آن به بحر حزر و رود (ارس) و گیلان و یقیناً قسمتی از مازندران که مادها در آنجا ساکن بودند رسید، از طرف شمال غربی شامل ایالت آذربایجان گردید، از جانب مشرق تا صحرای «لوت» که جمعیت خیلی از بومیان در آن سکونت داشتند امتداد یافت در مغرب و جنوب به ایالات سرحدی آشور، آلی، بی و خارخار متصل بود گویا حدود فارس «در پشتکوه» تقریباً حد جنوبی ماد بوده است کلیه این قسمت‌ها از حیث آب و حاصلخیزی بهترین ناحیه فلات ایران است.^۴ دیاکونف محقق روسی می‌گوید: سرزمین مد بطور طبیعی به سه بخش مشخص تقسیم می‌گردد، نامبرده حدود بیرونی سرزمین ماد را چنین توصیف کرده است:

ماد باستان از سمت شمال غربی با اورارتو «ارمنستان بعدی» و از طرف شمال بالبانی هم مرز بود و در امتداد کرانه دریای «خزر» بوسیله حاشیه مرطوب و جنگلی نواحی تاسی و کادوسی «واقع در آنطرف رشته کوه‌های «البرز» که اینک گیلان، «تالش» و «مازندران» نامیده میشوند محدود میشد، در مشرق ناحیه کوهستانی خراسان با سرزمین باستانی پارت خاک ماد را از آسیای میانه جدا میکرد. اندکی جنوبی تر از خاک «پارت» مرز شقی ماد را پهنه‌های مرکزی و لم یزرع فلات ایران تشکیل میداد و «پارتاکن» از سمت جنوب با کشور کوهستانی پارس هم مرز بود و از جنوب غربی به دره‌های رود کارون و کرخه محدود میشد و از طرف مغرب نیز با آشور هم مرز بود، دیاکونف سپس حدود هر یک از استانهای سه گانه را معین کرده و مشخصات آنها را چنین شرح داده است:

۱- ماد آتروپاتن از شمال به رود ارس و از جنوب تا کوه الوند ممتد بوده است دریاچه «اورمیه» و رودهایی که وارد آن میشدند مانند جغتو - «زرینه رود» و دیگر رودها و همچنین دره رود «قزل اوزن» و «سفیدرود» قرار داشت که رشته کوه‌های البرز را قطع میکرد و به دریای خزر میریخت، در این محدوده قرار داشت. بخش غربی این استان را نوار پهنی از رشته کوه‌های موسوم به زاگروس تشکیل میداد.

۲- ماد سفلی در میان دیواره‌های بلند رشته کوه‌های شمالی و جنوبی واقع بود که کوه‌های شمالی آن سلسله کوه‌های البرز و کوه‌های جنوبی آن چند رشته کوه بود که بموازات کوهستان زاگرس از سوی شمال غربی به جنوب شرقی امتداد می‌یافت. ماد سفلی پهنه‌ای مرکب از صحراهای خاکستری بود که حد جنوبی شرقی این پهنه، بیابان شوره‌زار دشت کویر است. این محدوده در

۱- تاریخ اجتماعی و سیاسی ارمنه: ترجمه و تألیف گیو آقاسی و دکتر الکساندر پادماگریان، تهران ۱۳۵۲، ص ۲۱

۲- سفره من ده ربنندی بازیان الی مله‌ی تاسلوجه: توفیق وهبی، بغداد، ۱۹۵۸، ص ۷ همچنین تاریخ ماد، دیاکونف، ص ۱۹۱

۳- راجیانا باید همان «راگیانا یا راگ» (ری) باشد

۴- تاریخ ایران، سایکس، جلد یکم، ص ۱۴۹-۱۵۰.

زمستان یخبندان و در تابستان سخت است و فقط در دامنه این رشته کوهها اندک رطوبتی وجود دارد که نواحی زراعتی را پدید می‌آورد.

۳- ماد پارتاکننا که توسط زاینده‌رود مشروب میشده و میان دو رشته کوه متوازی واقع بوده و در شمال، «که‌رود» و در جنوب، رشته کوه‌های جنوبی ایران این ناحیه را محدود میساخته است^۱ بنابراین سرزمین اصلی ماد شامل تمام نقاط آذربایجان و کردستان و همچنین ایران مرکزی بوده است.^۲

برای توضیح بیشتر یاد آور می‌شویم که بطور کلی قبایل و طوایف ایرانی به دو دسته مادها و پارسها تقسیم می‌شدند، برای نخستین بار مصادر تاریخی آشور بسال ۸۴۴ و ۸۳۶ قبل از میلاد بمنطقه پارسوا zParsua و میدیا zMedia در جنوب دریاچه اورمیه «رضائیه» در منطقه کردنشین مکریان اشاره کرده‌اند بعد مدت زیادی نپائید که اقوام پارسی بسوی جنوب سرازیر شده و منطقه‌ای که در آن سکونت گزیدند بنام zParsa اشتهار یافت و امپراطوری نیرومندی را بزمامداری کورش بزرگ تشکیل دادند که تا سال ۳۳۱ ق.م پابرجا بود^۳ ولی مادها در منطقه شمال غربی به بسط و توسعه قلمروی حکومتشان پرداختند و بر کلیه حکومتها و امارات و طوایف آن منطقه بویژه بر قبایل سکینی غالب گشته و آنها را تحت نفوذ خود در آوردند و در شکست دولت اورارتو^۴ سهم بسزائی داشتند، بجا است که در اینجا باستدلال پروفیسور مینورسکی^۵ در مورد وابستگی کردها و مادها بپردازیم:

ایشان معتقدند که از لحاظ تاریخی و جغرافیائی کردها فقط از ماد صغیر «اتروپاتن» یعنی آذربایجان با کناف و اطراف پراکنده شده‌اند،^۶ نامبرده در ضمن اینکه کردها را برخاسته از سرزمین ماد میدانند اضافه مینماید که با احتمال زیاد کردها در حین اقامت با

۱- تاریخ ماد: م، دیاکونف، ص ۱۰۷-۱۱۱.

۲- مجله ماد: جلد دوم، باهتمام محمد کیوانپور، تهران ۱۳۲۲، ص ۱.

۳- پارسیان در پارسوماش در کوه‌های فرعی سلسله جبال بختیاری در مشرق شوشتر ناحیه‌ای واقع در دو سوی ساحل کارون نزدیک انحنای بزرگ این شط پیش از آنکه بسوی جنوب انحراف یابد مستقر بودند، پارسیان تحت رهبری هخامنشی حکومت کوچک خود را که مقدر بود بسیار بزرگ گردد تأسیس کردند و نام خویش را بدان دادند. رک ایران از آغاز تا اسلام: گیشمن، ترجمه محمد معین، تهران ۱۳۳۶، ص ۱۰۸.

۴- اورارتویکی از دولتهای قدیمی بشمار می‌رود که در میان قرن نهم تا قرن ششم قبل از میلاد اقتدار داشته است. سلطنت نیرومند اورارتو تا آرات و زمینهای ارمنستان و منطقه‌های مجاور آن را شامل میشد. پایتخت اورارتو نزدیک به شهر وان بوده است، اورارتوها با آشوریها و مصریها و یونانیها و سایر ممالک خاور نزدیک روابط تجاری و فرهنگی داشتند و با امپراطوری آشور در گیری‌هایی بر سر قدرت پیدا کردند. سرانجام بسال ۵۹۰ ق.م تحت تسلط مادها درآمدند. رک: تاریخ اجتماعی و سیاسی ارمنه ص ۲۰-۲۱.

۵- (۳۱) پروفیسور مینورسکی (۱۸۷۶-۱۹۶۶) در قصبه کرچوا در ساحل رودخانه ولگا متولد شده و تحصیلات مقدماتی خود را در مسکو به پایان رسانده و در دانشگاه آن شهر چهار سال از سال ۱۸۹۶ تا سال ۱۹۰۰ در دانشکده حقوق به تحصیل اشتغال داشته و بعد در مؤسسه لازارف سه سال در زمینه زبان -های شرقی تحصیل کرد. در سال ۱۹۰۳ مسیحی وارد وزارت خارجه روس شد. از سال ۱۹۰۴ تا سال ۱۹۰۸ در ایران خدمت کرد و پستهای علمی زیادی بعهده داشته و مقالات و رساله‌ها و کتب تألیفی او در رشته ایرانشناسی علمی زیادی بعهده تحقیقات بسی ارزنده در مورد ریشه نژادی و مذهب و زبان کردها به عمل آورده است و برا اطلاع بیشتر در مورد او به کتاب یادنامه مینورسکی به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار تهران ۱۳۴۸ مراجعه گردد.

۶- مقدمه شرفنامه: محمد عباسی، ص ۳۳-۳۴.

قبایل کردو اختلاط یافته و کشور ماد را باوج قدرت رسانیده‌اند^۱ مینورسکی بعد از این استدلال به این نتیجه میرسد: اگر کردهای کنونی نواده‌ها و بازماندگان مادها نیستند پس سرنوشت اقوام دلیر مادی که امپراطوری نیرومندی را تشکیل دادند بکجا انجامید...؟ و چه بسر آنها آمد...؟

و کردهای کنونی که دارای خصوصیات ریشه‌داری هستند و بزبان ایرانی اصیل صحبت میکنند، چگونه در این منطقه پهناور بوجود آمدند...؟^۲

مینورسکی اضافه مینماید: اگر نقشه مناطق کردنشین را که مارک سایکس در فاصله جنک جهانی اول کشیده از مدنظر بگذاریم هجرت ایلات و طوایف ماد و قلمرو و نفوذ آنها را بروشنی در خواهیم یافت.^۳

مینورسکی درصدد توضیح بیشتری برآمده و اضافه می‌کند: مؤرخ ارمنی (موقسیس خوریناتسی) که در اوایل قرن ششم میلادی میزیسته نخستین مورخ است که تاریخ آرامنه را از قدیمترین ازمنه تا سال ۴۲۸ میلادی برشته تحریر درآورده و ضمن تحدید و تعیین قلمرو مادها با وجود آنکه مدت زیادی از انقراض مادها سپری گشته بود نام مادها را بر کردهای معاصر خویش اطلاق نموده است. بدینترتیب او نیز صحنه بر این مطلب میگذارد که کردها احفاد مادها میباشند.^۴

مینورسکی درصدد جستجو و ارائه دلایل و شواهد دیگری جهت اثبات عقیده خویش در مورد وابستگی کردها بمادها برآمده و میگوید: «آنچه آشکار است قسمت غربی منطقه ماکو در ایران بویژه منطقه دامیات که موقسیس خوریناتسی نیز از آن یاد کرده هنوز منطقه‌ای کردنشین است و این منطقه بدلائل تاریخی و جغرافیائی در قلمرو ماد صغیر بوده است و چنانکه ذکر شد در قدیم ارمنیان واژه ماد را برای منطقه ماد (Mada) بکار میبردند. و این منطقه در زبان پارسی به ماه (Mah) شهرت داشته است. بدین

۱- خلاصه تاریخ کردو الکردستان، ص ۴۱.

۲- The Origins of the Kurds and Their Language-By Tawfiq Wahbi PP. ۲-۴.

همچنین ر.ک: مجله المجمع العلمی الکردی، بغداد ۱۹۷۳، ص ۵۶۳.

۳- Sykes: The Kurdish Tribes of the Ottoman Empire The Journal of the Royal Anthropological Institute of Britain.

۴- در دایرة المعارف بریتانیا چاپ ۱۹۲۹ تحت عنوان کرد و کتاب Armenia and Kurdistan نیز چنین آمده بعد از انقراض دولت ماد اقوام و طوایف مادی به کردها پیوستند و با هم اتحاد کردند و کردها با این اتحاد از تمدن مادها تأثیرات زیادی چه مادی و چه معنوی پذیرفتند و بیشتر این خصوصیات و تأثیرات را کردها نگه داشته‌اند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که کردها احفاد مادها هستند یا اینکه در قدیم دو اسم برای یک قوم وجود داشته است. ر.ک:

ترتیب میتوان گفت (ماکو) در اصل (ماه کوه) بوده است یعنی منطقه کوهنشین سرزمین ماد و این مطلب نیز شاهد دیگریست برای ارتباط کردها و مادها.^۱

برای اینکه شواهد و دلایل دیگری از ارتباط مادها بکردها ارائه داده باشیم به تحقیقات برخی از زبانشناسان در مورد نزدیکی زبان کردی و ماد یا اوستائی اشاره مینمایم:

آنچه معلوم شده زبان مادی زبان شاهان سلسله ماد و مردم مغرب و مرکز ایران بوده است. از سال ۸۲۵ ق.م به بعد در کتیبه‌های شاهان آشوری از ماد نام برده شده است. کلماتی از این زبان نیز در زبان یونانی باقی مانده ولی مآخذ عمده اطلاع ما در زبان مادی کلمات و عباراتی است که در کتیبه‌های هخامنشیان که جانشین شاهان ماد بوده‌اند بجای مانده است. از این جمله کلمات (Vazrka) بزرگ، (Baxris) باختر، (Mitra) مهر است. تشخیص مادی بودن این کلمات بر حسب قواعد زبانشناسی است^۲ آنچه آشکار است کردها از سرزمین ماد برخاسته‌اند که اکنون مناطق کردنشین را تشکیل می‌دهد.^۳ و وارث تمدن مادی هستند.^۴

بدین علت زبان کردی نیز وارث^۴ و نوه زبان ماد و اوستائیس^۵ برای تأیید مطلبی که ذکر شد در دائرة المعارف بریتانکا تحت عنوان کرد چنین آمده است:

خصوصیات عمده کلیه لهجه‌های کرمانجی کردی^۶ این موضوع را آشکار میکند که به احتمال زیاد این زبان از ریشه استوار و قدیمی زبان مادی است.^۱

۱- مجله‌المجمع العلمی الکردی ص ۵۶۲.

۲- فرهنگ معین جلد اول ص ۴.

۳- ر.ک: رساله دکترای امین علی سعید تحت عنوان پسوند و پیشوند در کردی و مقایسه با فارسی سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ ص ۵

۴- دکتر ارشاک سفر سیستان محقق ارمنی برخلاف بیشتر مورخین معتقد است که ملتی بنام ماد وجود خارجی نداشته و اسم میدا Meda بجمعی کوشور یا زمین است مثلاً میگفتند میدا گوتیوم یعنی کشور گوتی‌ها یا میداعیلام یعنی کشور ایلام ولی نامبرده دلایل متقن و قانع کننده‌ای برای اثبات عقیده خویش در این مورد ارائه نداده است. زیرا هر دوت و استرابون بوجود ملتی بنام ماد در سرزمین ایران تصریح نموده‌اند. برای توضیح بیشتر و اطلاع بر عقاید سفر سیستان بکتاب:

Kurdistan and The Kurds: A. R. Safarstian - London, ۱۹۴۸. P. ۴۹.

۵- بیشتر احتمال دارد که زبان اوستائی مادی باشد یا خراسانی ر-ک: مقدمه برهان پورداد ص ۴.

۶- زبان کردی به سه دسته بزرگ تقسیم میشود که آنها نیز شامل لهجه‌های فرعی میباشند

۱- کرمانجی شمالی که عبارت است از بایزیدی، حکاری بوتانی اسپتی، بادنیانی.

۲- کرمانجی جنوبی که عبارت است از سورانی، مگری، سلیمانی، سنندجی

۳- زمانشاهی که عبارت است از کلهری، پشت کوهی، لکی.

خاورشناس معروف دارمستتر بعد از یک رشته تحقیقات عمیق در زبان کردی به این نتیجه میرسد که زبان کردی شاخه‌ای از زبان مادی است.^۲

اگر اوستا را کتاب مقدس مادها بدانیم این مطلب بروشنی آشکار میشود که میان زبانهای ایرانی کنونی بیشتر زبان کردی با اوستائی پیوند و خویشاوندی نزدیک دارد، زیرا برخی از اصوات و واژه‌های اوستائی هنوز در کردی محفوظ مانده است.^۳

ما در این مختصر بدکر شمه‌ای از اینگونه ارتباط و وابستگی میان زبان کردی و اوستائی میپردازیم:

الف: از لحاظ آواشناسی زبان کردی بیشتر اصوات اوستائی را دربردارد که از آنجمله اصوات ذیل است:

صوت اوستائی/مثال کردی

۱- خواخویشک Xwaysk خواهر

۲- انگ [مانگ] Mang ماه \ هنگ Hang زنبور عسل \. این واحد صوتی در بینی ادا می‌شود.

ب: از لحاظ دستوری و ساختمان.

وجود علامت برای فرق گذاشتن مذکر و مؤنث در بعضی از لهجه‌های زبان کردی مانند گورانی و کرمانجی شمالی دلیل بر وحدت ریشه زبانهای ایرانی و کردی است زیرا این علایم در تمام زبانهای باستانی ایران مخصوصا اوستائی وجود داشته است^۴ برای توضیح بیشتر در این باره بمقایسه برخی لغات هم‌ریشه کردی، فارسی، اوستائی، میپردازیم:

کردی/فارسی/اوستائی

لهجه گورانی/لهجه سورانی/فارسی/اوستائی

آیرا آگرا آذر آتر

هه و رانه ورا ابر اورا

وه فرا به فرا برف (و فر)

۱- Encyl. Britanica - Vol. ۱۳. PP. ۵۱۹.

۲- مقدمه شرفنامه، ص ۱۰۹ الاکراد، ملاحظات و انطباعات، مینورسکی، ص ۳۸.

۳- حول مقال مسئولیة الادیب الکردی الکبری: توفیق وهبی، بغداد ۱۹۷۳ ص ۷.

۴- پسوند و پیشوند در کردی و مقایسه با فارسی. ص ۷. ونگ لهجه‌های مغرب ایران ص ۵۶.

به‌رزا به‌وزابندابرز

گه‌وره‌امه‌زن‌ابزرگ‌اماز

ماساوی‌اماسی‌اماهی‌اماسیا.

نشریه الکترونیکی
المجلة الإلكترونية
Electronic Magazine

وُضُوءُ